

**B.A. Part-II (Semester-IV) (Old) Examination
LITERATURE OF CLASSICAL LANGUAGE
PERSIAN LITERATURE**

Time : Three Hours]

[Maximum Marks : 80]

- یادداشت: (۱) همه پرسش‌ها اجباری است.
 (۲) پاسخ‌های بان‌فارسی یا انگلیسی یا اردوی نویسید.

16

سوال نمبرا۔ از اقتباس‌های زیر را در تاریخ تصویب بدھید: —

(الف) در اینجا عصر چهارست یعنی زمانی که انسان بچر سنگ و چوب و سیله‌ای برای شکارند اشته۔ این آدم و حشی را با دسته‌ای دراز و گردان گرفت کوتاه و بدن پیش آلود، بین که یک مثل خودی را ضرب سنگ شکار کرده، بنا خن و دندان پاره می‌کند و میخورد، مادر و بچه‌ها از غار بیرون ریخته اند و با داد و بیداد، هم خود را می‌خواهند.

(ب) از خاطرم گذشت که ای کاش می‌شد این آواز و سوز را ترجمه کردو بزبان قلم درآورد. دیدم مثل آنست که بخواهیم شیم سحر رانگاه دارم و از قصه‌ها و غصه‌ها نیکیک از گفوهای عاشقها بضمی مرساند، پرسم و برای شما حکایت کنم! با خود گفتم این آواز و این سوز و حال، از چشم دلی است که ناز کیهای خیال را می‌بیند و در دهاری رانیامده راحس می‌کند.

(ج) سالم گذشت و باز هم گزارم بدکه نقاش افتاد، ممنون و ذوق زده استقبلم کردو پرده‌های تازه نشتم داد، دیدم انگاس‌الحا با جان و دول کار کرده و پیش رفته۔ خیال کردم که ناچار این‌همه ترقی را از برکت پند و ستور من دارد، خوشحال و خندان شدم و گفتم شکر خدا که شمارا بعشق تی آسمانی و اصلی پیغم امّا باین زودی و آسمانی تصور نی کردم.

8

سوال نمبر ۲۔ (الف) از بیت‌های زیر چهار تا شعر را شرح بدھید: —

(۱) ترسم که رفتہ رفتہ به بیداد خونی
 برکین مدار طبع ستمگار خویش را

(۲) از کف نمی دهد دل آسان ریوده را
 دیدیم زور بازوی نا آزموده را

(۳) کجا بودی که امشب سوختی آزرده جانی را
 بقدر روز محشر طول دادی هرزمانی را

(۴) عمرت بود که دوش نظیری بیاد تو
 آسان نمود مردن دشوار خویش را

(۵) هرگز دلم حلاوت آسودگی نیافت
تلخست خواب دیده ای درخون غنوده را

(۶) سوالی کن زمین امروز تاغونا بشهر افتاد
که اعجاز ملاني کردگویا بی زبانی را

(۷) منظور یار گشت نظری کلام ما
بیحوده صرف شکر نکردم دوده را

(ب) از بند های زیر دو تا را ترجمه کنید: —

(۱) نخستین به نیزه برآ ویختند
همی خون ز جوش فرو ریختند
زنیروی اسپان و زخم سران
شکسته شد آن تن هائی گران
چو شیران جنگی بر آشقد
همان دسته بشکست گرزگران
فرو ماند از کار دست سران

(۲) علم اگر نیست ز حیوان چه بود فرق بشر
بوی اگر نیست تفاوت چند گل از خار
فرد آموز و پی تربیت ملت خویش
جهدو جدی بشما چون دیگران مادر درا
تو گذاری بدیان همه کس اول حرف
هر کسی از تو سخن من شنوده اول بار
پس از اول تو بگوش همه این گفتگو بگو
که نترسند ز رحمت گلگزند از کار

(۳) گل زیبائی من ولی شکن
کور فتنا سد از سفید کبود

نشود کم زمن بد و گل گفت
 نہ بہ پی موقع آدم پی جود
 کم شود از کسی کہ حفت و بہ راه
 دیر جنید و رخ بہ من نمود
 آن که فناخت قدر وقت درست
 زیرا این طاس لا جورد جست؟

16

سوال نمبر ۳۔ جاہای خالی را پر کنید :-

- (۱) کو ”سید اشراء“ کے لقب سے نواز گیا تھا۔ (مشتاق اصفہانی، محمد تقی بہار، عارف قزوینی)
- (۲) سبک دور بازگشت کی بنیاد بنا۔ (ادبی تحول، غزل گوئی، شعر پسید)
- (۳) دور بازگشت میں شعرانے کی طرف سب سے زیادہ توجہ کی۔ (رباعی و مرثیہ، قطعہ و مخمس، قصیدہ و غزل)
- (۴) کو دور بازگشت کے صوفی شعراء میں شمار کیا جاتا ہے۔ (صفا اصفہانی، مشتاق اصفہانی، ایرج مرزا)
- (۵) نشاط اصفہانی میں پیدا ہوا۔ (۱۲۰۶ھ، ۱۳۰۰ھ، ۱۷۵۰ھ)
- (۶) نشاط اصفہانی کا شعری مجموعہ ہے (گنجینہ، خزانہ، دفینہ)
- (۷) وصال شیرازی شاعر تھا۔ (قصیدہ گو، رباعی گو، مرثیہ گو)
- (۸) سبک دور بازگشت کی اصطلاح سب سے پہلے نے استعمال کی۔ (محمد تقی بہار، آذر بیگدی، ہاتف اصفہانی)

8

سوال نمبر ۴۔ (الف) کی ازاقتباس ہائی زیر ارجمند کنید :-

(۱) ہمه سال در ماہ مبارک رمضان چہارتین از قرآن اغوش المخان عرب راتا آخر ماہ با حرمت وعدہ گرفته، ہمه شب پس از اظہارت اہنگام سخور تلاوت قرآن مجید کردہ ثواب آن را بروح پاک شاہ عباس بزرگ صفوی کہ چند دن آماز خیریہ بزرگ ازا در بر گوشہ ایران پیدا گراست و ہنوز دست تصرف ایام تخریب و انہدام آنہار اہنیافت بدیمی نہود۔ و خود نیز در پس ہر نماز فاتحہ از روی اخلاص خواندہ روح آن پادشاہ نامی راشادی کر دے۔

(۲) حاجی کریم نامی از اہل اصفہان کہ در مصر بود کا یقین قبیل نقل میکرد کہ: عجب تراز ہمہ اینهاست۔ میگوید وقتی در مصر خلی فلکلر دہ و با طالع خود دست بگر بیان بودم۔ از ہمہ آشنا یان چیزی بعنوان قرض کرنے کرنے دیکر یعنی کس گمان نداشت کہ بیک شاہی از من دستگیری کند۔ لہذا تم از ہر جا کوتاہ گشته برای شام شب معطل بودم و بدتر از ہمہ ششماہ کرایہ منزل راندا دہ بودم۔

8

(ب) کی از پرشل ہائی زیراپا خب دھید :—

(۱) پدر ابراہیم چہ وصیت ہابہ اودادہ بود؟

(۲) خلاصہ نامہ حاجی کریم بنویسید۔

(۳) پدر ابراہیم بیگ در ماہ رمضان چہ معمول داشت؟

8

سوال نمبر ۵۔ (الف) از مندرجات زیر لیچ چہار تا بامثال تعریف بکنید :—

(۱) مراعات النظیر

(۲) مبالغہ

(۳) تضاد

(۴) تلمیح

(۵) لف و شر مرتب

(۶) استعارة

8

(ب) از جملہ ہائی زیر چہارتا بربان فارسی ترجمہ بکنید :—

(۱) فیض بیمار ہے۔

(۲) احمد نے مجھے تخدیا۔

(۳) حمزہ اور سعود اسکول جار ہے ہیں۔

(۴) میرا چھوٹا بھائی ہے۔

(۵) میری والدہ کا نام حمنہ ہے۔

(۶) ماجد آیا ہے۔